

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

قالب شعری: غزل لحن: تعلیمی

قلمروی معنایی

معنی واژگان بیت: گردون: آسمان، عالم، فلک / افسانه: قصه، اسطوره، داستان بی اساس / افسون

:سحر، جادو، حيله، غير واقعي / يارا: ای یار / به جای: در حق

معنی بیت: مهر و محبت کوتاه مدت فلک، افسانه و فریب است. ای یار، فرصت نیکی کردن در حق یاران و دوستان را غنیمت بشمار.

دانش زبانی: بیت چهار جمله دارد / ده روزه مهر گردون: گروه نهادی (گردون: مضاف الیه) / «افسانه»
«مسند جمله ی اول و «افسون» مسند جمله ی دوم / شمار: فعل اسنادی (به معنی در نظر گرفتن) / نیکی
مفعول / فرصت: مسند

به جای: حرف اضافه / یاران: متمم / یارا: یار (منادا) و (ا) حرف ندا /

دانش ادبی: تشبیه در مصراع اول (گذشت روزگار را به افسانه و افسون تشبیه کرده است). (/ اواج

آرایی (مصوت: ا) / جناس: یاران و یارا / ده روز: کنایه از مدت اندک / تناسب: مهر (خورشید) و گردون //

مفهوم کلی بیت "غنیمت شمردن فرصت ها // مصراع اول: بی اعتباری دنیا، ناپایداری دنیا و گذر عمر / تاکید
بر نیکی کردن در حق دوستان /

قرابت با: نگه دار عالم که فرصت دمی است دمی پیش دانا به از عالمی است

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن دور فلک درنگ ندارد شتاب کن

ای شرراز همرهان غافل مباش فرصت ما نیز باری بیش نیست

به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای کنون که نوبت توست به عدل گرای

وفا و مردی امروز کن که در دسترس است بود که فردا این حال را زوال بود

تاریخ ادبیات: خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی معروف به لسان الغیب، بزرگ ترین غزل سرای
تاریخ ادبیات ایران است.

وی در اوایل قرن هشتم در شیراز متولد شد و در همان جابه تحصیل علوم و مطالعه قوانین ادب و دیوان شاعران پرداخت و چون قرآن را از برداشت «حافظ» تخلص نمود

درس ششم، راه نیک بختی:

در صفحه ی نخست درس راه نیک بختی باید به گام های خواندن و همچنین نکاتی که در مورد ویژگی متن ها با درون مایه های مختلف آمده است توجه نمود.

خواندن چند گام دارد: ۱- شناخت کلمه ها و نشانه ها ۲- بازخوانی (دوباره خوانی) یا تلفظ واژه ۳- مطابقت دادن شکل کلمه با تلفظ آن ۴- خوانش درست متن ۵- توجه به حس و حال متن ۵- تشخیص معنا و درک پیام متن.

متن **حماسی** با حالت **پهلوانی و پیکارگرانه** (پیکار: جنگ، نبرد) و متن که **ستایش و نیایش** پروردگار را بازگو می کند، با حالت **فروتنی (تواضع) و خاکساری** (فروتنی، افتادگی، تواضع) خوانده می شود.

لحن شعر راه نیک بختی: لحن تعلیمی (اندرزی)

شعر باید آرام و نرم و با آهنگ و لحن نصیحت و حالت پندگویانه بیان شود

قالب شعر: مثنوی است و هر بیت قافیه ای جداگانه دارد

ساختار (شکل بیرونی) این اثر: (۱) متن اثر به نظم است (۲) شیوه ی بیان اثر، زبانی است

(۳) واژه های این شعر ساده و قابل فهم هستند

چندبیت از ابتدای سروده:

از مال جهان ز کهنه و نو / دارم پسری به نام خسرو

هر چند که سال او چهار است / پیداست که طفل هوشیار است

در دیده ی من چنین نماید / در دیده ی غیر تا چه آید

هر چند که طفل زشت باشد / در چشم پدر بهشت باشد

هان ای پسر عزیز دل بند / بشنو ز پدر نصیحتی چند

**زین گفته سعادت تو جویم / پس یاد بگیر هر چه گویم....

پیام های این درس:

۱) توصیه به سحرخیزی ۲) احترام و نیکی کردن به پدر و مادر (که خشنودی پروردگار نیز در آن است)

۳) رعایت پاکیزگی ۴) توصیه به راستگویی ۵) تلاش برای انجام کار مفید و کسب علم که باعث ارزشمندی زندگی می شود

بیت اول : زین گفته سعادت تو جویم / پس یاد بگیر هرچه گویم

قلمروی معنایی

معنی واژگان: زین: مخفف از این / سعادت: نیک بختی، خجستگی (متضاد: شقاوت)

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد / این گفته: گروه متممی و این: صفت اشاره «وابسته ی پیشین» / هرچه: گروه مفعولی و هر: صفت مبهم «وابسته ی پیشین» / یاد بگیر: فعل امر / جویم : می جویم (فعل از مصدر جستن) // گویم : می گویم (فعل از مصدر گفتن) // (هرچه گویم): مفعول برای فعل «یاد بگیر»

(جویم و گویم): کلمات قافیه

بیت دوم : می باش به عمر خود سحر خیز / وز خواب سحرگهان بپرهیز

معنی واژگان: سحرگهان: هنگام سحر (ان: پسوند زمان) / می باش: همواره باش

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد / می باش و بپرهیز: فعل امر / سحر خیز: مسند / عمر خود: گروه متممی (خود: مضاف الیه) / خواب سحرگهان: گروه متممی (سحرگهان: مضاف الیه) / ز : از (مخفف) وز : و از (مخفف)

دانش ادبی: این بیت یادآور جمله ی حکمت آمیز: «سحر خیز باش تا کامروا باشی» است

سحر خیز و بپرهیز: قافیه

بیت سوم : با مادر خویش مهربان باش / آماده ای خدمتش به جان باش

معنی واژگان: به جان: با تمام وجود، از صمیم قلب

معنی بیت: با مادر خودت به مهربانی رفتار کن و با تمام وجود به او خدمت کن

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد / هر دو جمله دارای فعل اسنادی است مهربان: مسند جمله ی اول / آماده ای خدمت: مسند جمله ی دوم / - ش: متمم / به جان: متمم قیدی

دانش ادبی: واج آرایبی «ش» و مصوت «ا» / بیت به آیه ی سیزدهم از سوره لقمان «وبالوالدین احسانا» تلمیح دارد

مهربان و جان: قافیه / باش: ردیف

بیت چهارم : با چشم ادب نگر پدر را / از گفته ی او مپیچ سر را

معنی بیت: به پدرت با ادب و احترام نگاه کن و از گفته های او سرپیچی نکن

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد / را در این بیت حرف اضافه است به معنی (به: (به پدر): پدر متمم / سر: مفعول

/ مپیچ: فعل (نهی) // چشم ادب: اضافه ی اقتزانی (باچشم به نشانه ی ادب به پدر نگاه کن)

دانش ادبی: چشم و سر: تناسب (مراعات نظیر) / سر پیچاندن: کنایه از نافرمانی کردن (سر مپیچ: کنایه از نافرمانی مکن)

پدر و سر: قافیه / را: ردیف

بیت پنجم : چون این دو شوند از تو خرسند / خرسند شود ز تو خداوند

معنی واژگان: خرسند: راضی، خشنود

معنی بیت: اگر پدر و مادر از تو راضی بشوند خداوند از تو راضی و خشنود می شود

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد / چون: حرف ربط / این دو: گروه نهادی (این: صفت اشاره و «دو»: جانشین هسته / خرسند

در دو جمله مسند است / خداوند: نهاد جمله ی دوم

دانش ادبی: آرایه ی تکرار / واج آرایبی: «د» / تلمیح به حدیث پیامبر (رضی الله فی رضی الوالدین).

خرسند و خداوند: قافیه

بیت ششم : چون با ادب و تمیز باشی / پیش همه کس عزیز باشی

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد / هر دو جمله اسنادی است / با ادب و تمیز: مسند جمله ی اول / عزیز: مسند جمله ی دوم

/ پیش: حرف اضافه و همه کس: متمم (همه: صفت مبهم) / چون : وقتی که (حرف ربط)

دانش ادبی: تمیز و عزیز: قافیه / باشی: ردیف

بیت هفتم : می کوش که هرچه گوید استاد / گیری همه را به چابکی یاد

قافیه : استاد، یاد / می کوش : بکوش، تلاش کن / گیری : بگیری، مضارع التزامی از مصدر گفتن

معنی بیت: همواره تلاش کن که هر چه استاد و آموزگارت به تو می گوید همه را به سرعت یاد بگیری

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد/ می کوش: فعل امر/ استاد: نهاد جمله ی دوم / هر چه: گروه مفعولی (هر: صفت مبهم)
/ یاد بگیری: فعل مرکب / همه: مفعول جمله ی سوم / به چابکی: متمم قیدی

بیت هشتم : زنهار مگو سخن به جز راست / هر چند تو را در آن ضررهاست

معنی واژگان: زنهار: آگاه باش، هشدار

معنی بیت: آگاه باش که سخنی به جز راست نگویی هر چند به ضرر تو باشد

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد (زنهار: شبهه جمله، اصوات) / سخن: مفعول / به جز: حرف اضافه / راست: متمم / تو را: برای
تو: متمم) / هر چند: حرف ربط / ضررها: نهاد / است: به معنی وجود داشتن و فعل غیر اسنادی است

دانش ادبی: بیت تلمیح دارد به حدیث پیامبر: قولوا الحق و لو علی انفسکم = حق را بگوئید هر چند به زیانتان باشد
احادیث دیگری با این مضمون: النجاء فی الصدق / اقل الحق، ان کان مرأ = حقیقت را بگوئید هر چند تلخ باشد
راست و ضررهاست: قافیه

هر شب که روی به جامه ی خواب / کن نیک تامل اندر این بابا

کان روز به علم تو چه افزود / وز کرده خود چه برده ای سود

قلمروی معنایی: هر شب که به بستر خواب می روی در مورد این موضوع خوب فکر کن که آن روز به علم تو
چه چیز هایی را اضافه کرد و از اعمال خود چه سود و بهره ای را برده ای

بیت ۹ و ۱۰، موقوف المعانی (وابسته معنا) هستند

دانش زبانی: بیت ۹ دو جمله دارد / بیت ۱۰ نیز دو جمله دارد /

هر شب: قید / روی می روی (فعل مضارع اخباری) / جامه ی خواب: گروه متممی (خواب: مضاف الیه) / اندر: حرف اضافه
این باب: متمم (این صفت اشاره) / اندر این باب: در این مورد / اندر: در

جامه ی خواب: رخت خواب / کان: مخفف که آن / اوز: مخفف و از / کرده ای خود: اعمال خود / نیک: قید
/ تأمل: مفعول / آن روز: گروه نهادی (آن صفت اشاره) / علم تو: گروه متممی (تو: مضاف الیه) / چه: مفعول / کرده ی خود: گروه
متممی (خود: مضاف الیه) / چه سود: گروه مفعولی (چه: صفت پرسشی، سود: هسته ی مفعول) / برده ای: فعل ماضی نقلی

آرایه ی تناسب: شب و خواب / دانش ادبی: واج آرایه «ن» در بیت ۹ / تکرار در بیت ۱۰

خواب و باب: قافیه بیت ۹ / افزود و سود: قافیه بیت ۱۰

بیت یازدهم : روزی که در آن نکرده ای کار / آن روز ز عمر خویش مشمار

قلمروی معنایی: روزی که در آن کار مفید و ارزشمندی انجام ندادی، آن روز را از روز های عمر خود به حساب نیاور

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد/ روزی: قید / کار: مفعول / آن روز: گروه مفعولی (آن: صفت اشاره، روز: هسته) / عمر

خویش: متمم / مشمار: فعل سه ظرفیتی (فعل اسنادی-مفعولی) / ز عمر خویش: مسند

دانش ادبی: واج آرایبی «ر» و «ک» / کار و مشمار: قافیه

نکته:

در خود ارزیابی ۲ عبارت: «جز راست نباید گفت، هر راست نشاید گفت» دو جمله است و فعل های آن «نبايد گفت و نشاید گفت» فعل های بدون نهاد هستند. این گونه فعل ها نهاد مشخصی ندارند («نبايد و نشاید» از مصدر «بایستن و شایستن» هستند).

دانش ادبی: ادبیات تعلیمی یا اندرزی: که سرشار از موعظه و پند و اندرز است.

بهترین نمونه های ادبیات تعلیمی: ۱. بوستان و گلستان سعدی ۲. مثنوی معنوی ۳. کلیه و دمنه

چند نمونه از ادبیات تعلیمی:

حکایتی از گلستان سعدی:

عابدی را حکایت کنند که شبی ده من طعام بخوردی و تا سحر ختمی بکردی، صاحب دلی بشنید و بگفت: «اگر

نیم نانی بخوردی و بختی بسیار از این فاضل تر بودی.»

اندرون از طعام خالی دار / تا در او نور معرفت بینی

تهی از حکمتی به علت آن / که پری از طعام تا بینی

ابیاتی از بوستان سعدی:

اگر پای در دامن آری چو کوه سرت ز آسمان بگذرد در شکوه (پای در دامن آوردن: گوشه گیری)

مکن پیش دیوار، غیبت بسی بود کز پشش گوش دارد کسی

نمونه: تامل کنان در خطا و صواب به از ژاژ خایان حاضر جواب (ژاژ خواه: بیهوده گو)

نمونه: از آن مرد دانا دهان دوخته است (کنایه از سکوت و خاموشی) که ببند که شمع از زبان سوخته است
نکته:

در املاهای واژه‌های «جزء» و «جز» باید دقت کنیم؛ (جزء) به معنای بخشی از کل چیزی است و «جز» به معنای مگر، غیر، الا و.....مثال: نظارت.....وظایف مدیر است. (جزو- جزء)

مثال: قلب.....حیاتی بدن است. (جزو- جزء)

تاریخ ادبیات:

ایرج میرزا از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه‌ی دارالفنون تبریز صورت گرفت. ابتدا شاعر دربار قاجاریه بود اما به زودی از شاعری دربار کناره گرفت. شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است و مسایل مختلف اجتماعی را با زبانی ساده و شوخی‌های نیشدار بیان می‌کند